

هیستری سکسیسم و بی اعتبار کردن کمونیسم

آقای مصطفی صابر رئیس دفتر سیاسی، معاون جدید لیدر حمید تقوانی و مسئول اول نشریه "جوانان کمونیست" معرف حضور همگان است. ایشان، همان کسی است که خواهان حضور قوای تجاوزگر امپریالیسم آمریکا در عراق بود و میباید تا هرچه زودتر کلک تروریستهای اسلامیست کنده شود، تا بلکه هرچه سریعتر "دمکراسی" آمریکائی و اسرائیلی دولتهای "دمکراتیک" امپریالیستی و صهیونیستی در آنجا جاری و نهادینه گردد. چراکه هرچه از نیروهای اسلامی بیشتر کشته شوند، به نفع سناریوی سفید خواهد بود. سناریوی سفیدی که امپریالیسم جهانخوار آمریکا و صهیونیستهای نژاد پرست- فاشیستی مذهبی و اشغالگر اسرائیلی از متحدین آن می باشند.

بر اساس منطق مارکس زمانه (منصور حکمت) هرچه از جبهه اسلامیستها کشته شود، در جهت تقویت جبهه "تمدن گرا" خواهد بود. در واقع این است جوهر کلام منطق جریانات حکک که آنرا تحت نام "حکمتیست" از بت اعظم خویش آموخته اند و اخیراً بخاطر سهم بیشتر از این میراث گرانبها بجان یکدیگر افتاده اند، و هر جناحی خود را وارث این "گنجینه" می داند. یکی چون علی جوادی مدعی است که؛ نفوذ و قدرت "حزب" اش بقدری در ایران گسترش یافته که مردم هر روز در حال نوشتن "زنده باد حزب کمونیست کارگری"، "زنده باد علی جوادی" هستند و پاسداران بدنبالشان در حال پاک کردن شعارها، ولی رهبری حزب دچار بی عملی گشته و ما، "اتحاد فراکسیون کمونیسم کارگری" در صددیم این رهبری را فعال کنیم. و دیگری چون حمید تقوانی مدعی است که؛ "حزب" اش "مبارزات جاری کارگری در سطح جهانی را نمایندگی می کند". پاسخ ما به دروغهای کوبلزی آنان، چنین است: شتر در خواب بیند پنبه دانه گهی لب لب خورد گه دانه دانه! آخر عاقبت تان با عمو سام و خام خام های صهیونیستی باد!

جالب توجه است که در جریان سخته دوم و یا سوم و شاید هم چهارم، که حدوداً دو سال پیش زده شد، دعوایشان در آن زمان هم بر سر همین میراث گرانبهای حکمتیست بود. هم اکنون مجدداً در این سخته آخری هم، باز دعوا بر سر لحاف ملاست و هر طرف خود را وارث بر حق آن می داند. بطوریکه جناب آقای صابر در میان این دعوای خانوادگی همیشگی، نرخ تعیین کرده و جریان بی هویت بادکنکی خود را؛ "رهبر" جنبش اخیر دانشجویی- جنبش کارگران اتوبوسرانی- جنبش کارگران کرد، معرفی می کند. و اگر علی جوادی خالی بند را در مقابل خود نمی دید، لابد "رهبری" جنبش حق طلبانه زحمتکش ایران را از آن خود میدانست. امری که قبلاً هم از طرف منصور حکمت بارها مطرح شد.

ولی هنوز این همه آن کارهای محیر العقول جناب صابر نیست، بلکه فقط آغاز کار وی در سمت پست جدید بود. کار جالب تر ایشان عکس نمادینی است که نام لنین همراه با سکس بمناسبت سال مسیحی جدید، البته به اعضاء و هوادارانش تقدیم گشته است.

بدون وارد شدن به بحث لنین و لنینیسم با این حضرات که چیزی جز وقت تلف کردن نیست، توضیح یک نکته ضروری است. و آن اینکه این جماعت بی هویت که تمام هم و غمش دفاع از منافع آمریکا و اسرائیل می باشد را نباید جدی تلقی نمود. تنها و تنها، باید سیاستهای ضد انقلابی آنرا بی مهابا افشا نمود تا هرچه زودتر با سخته های آخرشان دست از این خالی بندی های ارزان قیمت که شاید جهت بیلان کارشان برای عمو سام مورد استفاده قرار گیرد، بردارند.

بهر روی، سکس در قاموس این بی مایگان همان تعریف "پرونوگرافی" و درک بورژوازی لیبرال ازمسئله جنسی است. همانطوری که یکی از اهداف حکک طبق برنامه حزبی دنیای بهترش تشکیل روسپی خانه علنی با جواز رسمی کارت شناسایی در ایران سوسیالیستی بجای برچیدن این کثافات سرمایه داری می باشد. همانطوری که هدف مبارزه "حزب" دوقلوی این جریان در عراق اشغال شده، گسیل نیروهای کاراته کارانش جهت لت و پار کردن اسلامیستهایی بود که چشم

چپ بدختران مینی ژوپ پوش داشتند . و این عمل نگروپننه پسندانه را ، امری در جهت گسترش "مبارزه طبقاتی" تلقی می کردند . این عمل پیش برنده " مبارزه طبقاتی " حزب کذابی در حالی بود که در منطقه سبز بغداد در کنار اشغالگران اسکان یافته بودند ، و در شرایط جهنم خون و باروت قوای تجاوزگر وحشی از " حقوق کارگران بیکار دفاع می کردند " . که البته مردم عراق با توسری بیرون شان نمودند .

در واقع جان کلام این بی وطنان آمریکا پسند که بر خلاف اباطیل شان دفاع از میهن در مقابل تجاوزگران را امری برابر با فاشیسم می دانند ولی از بام تا شام از انقلاب سوسیالیستی در ایران دم می زنند، ترویج و تبلیغ خزعبلات بورژوازی نئولیبرال است . یکی نیست به این بی وطنان بگوید ؛ وقتی دفاع از میهن، دفاع از فاشیسم معنی می دهد پس چرا شما جهان وطنان با انقلاب سوسیالیستی قصد نجات ایران را از گزند تجاوز امپریالیسم آمریکا دارید . نکند دولت امپریالیستی آمریکا ، مرکز اردوگاه انترناسیونال پرولتری است که ما از آن بی خبریم . و یا نکند تبلیغ بی وطنی فقط خاص ممالک " وحشی " است و دول " متمدن " را شامل نمی گردد .

توضیح اینکه ؛ هدف از قرار دادن نام لنین در کنار کلمه سکس که گویا خیلی مورد علاقه رهبر عظیم الشان شان می باشد، جدا از تفکر عقب مانده این حضرات که هنوز در عهد پارینه سنگی که در آن دوران انسانها بصورت نیمه وحشی زندگی می کردند و امر زناشویی بشیوه اشتراکی انجام می گردید بسر می برند ، این عمل (قرار دادن نام لنین در کنار سکس) ضد مارکسیستی اشان تائید اتهاماتی است که بورژوازی لیبرال به کمونیستها نسبت داده و میدهد . و این چیزی جز ترویج و تبلیغ افکار مخرب و منحرف بورژوازی نئولیبرال که سکس را در مرکز تبلیغات کالاهای بنگلش قرار داده است ، معنی دیگری نمی دهد . در واقع حکک تلاش دارد با یک تیر دو نشان بزند، هم با نام لنین بنگل ضد لنینیستی اش را بجای کالای مارکسیستی به جماعت بی خبر قالب کند ، هم با نام سکس بنگل چرک و خون انحصارات امپریالیستی را بجای کالای مرغوب به مردم حقه گرداند . ولی چون همیشه تیرش به سنگ خواهد خورد .

بجاست به پاسخ آموزگار بزرگ پرولتاریا پیرامون اتهامات بورژوازی به کمونیستها در مورد اشتراکی بودن زنان گوش فرادهم تا عیار " مارکسیستی " این بنگل فروشان ضد مارکسیست ، معین گردد :

" بورژوازی یک صدا بانگ می زند : آخر شما کمونیستها می خواهید اشتراک زن را عملی کنید .

بورژوا زن خود را تنها یک افزار تولید می شمرد . وی می شنود که افزارهای تولید باید مورد بهره برداری همگانی قرار گیرند ، لذا بدیهی است که نمی تواند طور دیگری فکر کند جز اینکه همان سرنوشت شامل زنان نیز خواهد شد .

وی حتی نمی تواند حدس بزند که اتفاقاً صحبت بر سر آنست که این وضع زنان ، یعنی صرفاً افزار تولید بودن آنان ، باید مرتفع گردد .

وانگهی چیزی مضحک تر از وحشت اخلاقی عالیجنابانه بورژواهای ما از این اشتراک رسمی زنها ، که به کمونیستها نسبت می دهند ، نیست . لازم نیست کمونیستها اشتراک زن را عملی کنند ، این اشتراک تقریباً همیشه وجود داشته است .

بورژواهای ما ، باین که زنان و دختران پرولتارهای خود را تحت اختیار دارند ، اکتفا نمی ورزند و علاوه بر فحشاء رسمی لذت مخصوصی می برند وقتی که زنان یکدیگر را از راه بدر کنند .

زناشویی بورژوازی در واقع همان اشتراک زنان است . حداکثر ایرادی که ممکن بود به کمونیستها وارد آورند این است که می خواهند اشتراک ریاکارانه و پنهانی زنان را رسمی و آشکار کنند . ولی بدیهی است که با نابود شدن مناسبات کنونی تولید ، آن اشتراک زنان که از این مناسبات ناشی شده ، یعنی فحشاء رسمی ، نیز از میان خواهد رفت . "

(کارل مارکس و فریدریش انگلس ، مانیفست حزب کمونیست ص 63 و 64)

درک این ناقلانه افکار بورژوازی لیبرال امپریالیستی از موزیک هم ، همان بینش مبتذل بورژوازی است که با چاشنی سکس در معرض فروش قرار داده می شود . بی دلیل نیست که با پخش برنامه های مستهجن هالیوودی چون مدونا و ... به مروجین و مبلغین این گونه موزیک های "رهائی بخش" تبدیل گشته اند . و باز بی دلیل نیست که نام لنین را در کنار سکس و موزیک بمثابه آنچه " یک دنیای بهتر " معنی می دهد قرار می دهند و آنرا چون هدیه سال نو به هوادارن و اعضایشان تقدیم میکنند .

به گفته سر دبیر نشریه پیرامون این عمل " انقلابی " گوش فرادهمیم :
" این عکس(منظور عکسی است که بر بدن شخصی نام سکس و موزیک در کنار نام لنین حک شده) تقریباً همه آنچه را که برای یک سال پر بار و برای رهائی از شر جمهوری اسلامی و سرمایه داری لازم داریم بر شمرده است "

بهمن ادیب 2007/01/15